

آموزشی در حوزه های ادبیات داستانی - با وجود کاستی های نهادهای متولی مثل وزارت علوم یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - قابل توجه است. که شاید به تلاش نهادهای خصوصی و نهادهای فرهنگی و غیر فرهنگی مربوط باشد. همچنین رشد مجلات تخصصی در زمینه ادبیات هم قابل توجه است.

در دهه های گذشته شاید به تعداد انگشت های دست مجلات تخصصی داشتیم، اما در سال های اخیر تعداد این مجلات زیاد شده است. افزایش تعداد این مجلات به افزایش تعداد منتقدین منجر شده است. الان بسیاری از آثار را داریم که پس از تولید، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. خوب این نشان دهنده این است که سواد داستانی و بینش تئوری ما خیلی خیلی رشد یافته است. در سال های قبل از انقلاب دو یا سه کتاب در زمینه داستان نویسی داشتیم، اما پس از انقلاب و در طول این سال ها، بیش از ۱۲۰ کتاب تألیف و ترجمه شده است. البته در طول این سال ها به دلایل سیاسی و اجتماعی میزان این رشد کم و زیاد شده است. برخی تصمیم گیری های ناصواب و غلط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز باعث شده که سرعت رشد کاهش یابد.

### - چرا ادبیات ما با همه پشتوانه های غنی ارزشی و مفهومی نمی تواند آن گونه که باید در سطح جهانی مطرح باشد؟

این که ما نتوانسته ایم در ادبیات جهان رسوخ نماییم چند دلیل دارد:

یک دلیل، زبان فارسی است. اصطلاحاً گفته می شود زبان فارسی در بن بست است، یعنی وقتی نویسندگان ما به زبان

فارسی می نویسند فقط اهالی کشور خود ما و نهایتاً بخش کوچکی در افغانستان، تاجیکستان و هند و پاکستان اثر را می خوانند که سر جمع ۱۰۰ میلیون هم نمی شوند. اما بسیاری از زبان ها این ویژگی را ندارند، یعنی اگر کسی به زبان انگلیسی بنویسد بلافاصله بیش از ۴۰ کشور جهان می توانند آن متن را بخوانند، این مسئله برای کشورهای فرانسه و ایتالیا و حتی سرزمین های عربی هم وجود دارد. هفده کشور از زبان عربی استفاده می کنند. البته برخی از کشورها هم بوده اند که همین مشکل ما را داشته، اما توانسته اند در عرصه جهانی رسوخ نمایند. یک دلیل موفقیت آن ها این است که دولت های این کشورها برای معرفی ادبیات داستانی خودشان تلاش نموده اند. اما من می خواهم بسیاری از مشکلات و آسیب ها را در طول این سال ها به گردن مدیریت و تصمیم گیری های فرهنگی کشور بگذارم.

در بسیاری از کشورها تلاش می کنند زمینه حضور نویسندگان در عرصه های فرهنگی هنری جهان را فراهم کنند. امکاناتی به نویسندگان می دهند، جشنواره ها و نمایشگاه هایی برگزار می کنند و در نهایت تلاش می کنند تا راه را برای خروج ادبیات از کشورشان باز کنند. اما به نظر می رسد در ایران، بسیاری از مدیران راه را برای تولید ادبیات بسته اند چه برسد که در را بر روی خارج باز کنند. در طول این سال ها نه تنها هیچ کار شایسته و بایسته ای توسط تصمیم گیران فرهنگی انجام نشده، بلکه در بسیاری از موارد با بدسلیقگی و کج سلیقگی ها راه را برای حضور نویسندگان در عرصه های معرفی جهانی بسته اند.

در کشور های دیگر نهادهای دولتی تلاش می کنند زمینه سفر نویسندگان را به نمایشگاه ها و جشنواره های جهانی باز کنند که در کشور ما هرگز وجود نداشته است. می توانم حتی دلایل و نمونه هایش را هم بگویم که نه تنها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمکی به امکان نشر این آثار نکرده، بلکه در بسیاری از جاها مانع معرفی این آثار شده است. اخیراً همین نقطه ضعف و ایرادهایی که ممکن است نویسندگان بگیرند، این دستگاه ها و مدیران کاری را به اسم ترجمه آثار ارزشی به جهان آغاز کرده اند. اما متأسفانه به دلیل ناشایستگی ها و تصمیم های غلط مدیران فرهنگی می بینیم که فلان کتاب را در ایران با مقدار قابل توجهی هزینه، ترجمه و منتشر می سازند. بعد کتاب به کشور های دیگر ارسال شده و در سفارتخانه ها می ماند. ببینید باز هم نهاد دولتی خودش می خواهد تصمیم بگیرد. در حالی که در ادبیات جهان کتاب را در نمایشگاه ها معرفی کرده و ناشران خصوصی روی آن ها سرمایه گذاری می کنند. در این سال ها نهادهای فرهنگی در بوق و کرنا کرده که چند کتاب را ترجمه و معرفی کرده اند. اما گزارش پشت صحنه این است که میلیارد ها تومان از بیت المال صرف ترجمه این کتاب ها کرده اند. ظاهراً گزارش ها نشان می دهد که ترجمه این آثار روشن و دقیق نبوده است. نکته دیگر این که این کتاب ها توسط خود دولت در ایران و یا کشور ثالثی به چاپ می رسند اما به دلیل سیاست های غلط امکان توزیع پیدا نمی کنند. ظاهراً علی رغم این که مشکل زبان داریم، مشکلات سیاسی

